

کیا لیون

مقدمہ ای بر فلسفہ ہر می

By



THREE INITIATES

مترجم : حسین اللہیاری

کیالیون

آموزش فلسفه هرمتی

مصر و یونان باستان

“لب های حکمت بسته اند ،

مگر برای گوش هایی که می شنوند ”

انتشارات جامعه یوگی

تقديم به

هرمس الهرامسه

این جلد کوچکی از تکنیک های هرمتیک (هرمسی) است که با احترام
وقف شده است

فهرست محتوا :

۵ مقدمه
۷ فلسفه هرمتیک
۱۰ هفت اصل اساسی هرمتیک
۱۹ تغییر روان
۲۴ همه چیز.....
۳۰ جهان روان.....
۳۶ پارادوکس مقدس.....
۴۵ «همه چیز» در همه چیز.....
۵۳ سطوح تناظر.....
۶۵ ارتعاش.....
۷۱ قطبیت.....
۷۶ ریتم (آهنگ).....
۸۲ علت و اثر.....
۸۸ جنسیت.....
۹۳ جنسیت روان.....
۱۰۳ اصول موضوعه هرمتیک.....

مقدمه

باعث خوشحالی بزرگی است که به توجه دانش آموزان و محققان طریقت و دانش های سری، این کار کوچکی که فلسفه ای بر پایه تکنیک های جهان کهن هرمسی است را به نمایش میرسانیم . تعداد کم و محدودی اسناد و کتاب بر روی این موضوع نوشته شده اند علی رغم تعداد بیشماری از منابعی که با موضوع فلسفی- طریقتی وجود دارند که البته همین باعث می شود بسیاری از محققان دلگرم و مشتاق بعد از گذرکردن از حقایق سری بدون هیچ مناظره ای در حضور جلد حاضر خوش بیایند . هدف از این کار بشارت دادن به هیچ فلسفه و طریقت جدا نیست بلکه منظور رساندن جمله ای از حقیقت به دانشجویان است که به وسیله آن بتوانند بین دانش هایی از طریقت که تا کنون کسب کرده اند ارتباط ایجاد کنند. نظر ما بر این نیست که یک معبد تازه از دانش را بنیان گذاریم بلکه میخواهیم به دست دانشجویان شاه-کلید را بدهیم هیچ قسمتی از تکنیک ها طریقتی روحانی تصرف شده در جهان نیست که به اندازه پاره هایی از آموزه های هرمتیک مورد صیانت قرار گرفته باشد. که

طول عمر آن به ده ها قرن تا زمان زندگانی بنیان گذار بزرگش ، هرمس تریسمگستوس یا هرمس الهرامسه ، کسی که در مصر کهن زندگی میکرد ، میرسد. در آن روز هایی که نژاد بشر امروزی در دوران نوزادی خویش بود. هم عصر ابراهیم (نبی) و اگر افسانه ها درست باشند آموزگار آن حکیم بزرگوار بوده است . هرمس مرکز اصلی و خورشید طریقت هاست ، کسی که انوارش باعث روشنایی آموزه های بی شماری شده است. اصل و بنیان تمام آموزه های روحانی از هر نژادی میتواند به هرمس برگردد .

حتی باستانی ترین تعلیمات هند ریشه هایشان بدون شک به آموزه های هرمتیک برمیگردد .

به نظر می رسد حاصل کاری که نتیجه یک عمر زندگی هرمس بوده است به سمت کاشته شدن بذریه راسینی ، بس عظیم شده است که به فرم و صورت هایی مختلف و عجیب و غریبی رشد و شکوفه زده است ، بجای آن که یک مدرسه فلسفی را ایجاد کند که تفکرات جهانیان را در بر بگیرد . با این حال ، آموزه های اصیل و حق تدریس شده ایشان توسط مردان اندکی در هر عصر به سلامت در اصالت خود حفظ شده است آنانی که نصف بیشتر دانش آموختگان و پیروان روش هرمسی را (حتی) رد می کنند و حقیقت را تنها برای تعداد محدودی که آماده فهم و استاد شدن در آن هستند ، در اختیار میگذارند ، سینه به سینه و دست به دست در میان اندکی . همیشه تعداد اندکی از مردمان از سرزمین های مختلف بوده اند که آتش مقدس تعلیمات هرمتیک را در سینه داشته اند آنانی که در میان مردم شناخته شده نیستند، دنیا را رها کرده اند و خودشان و زندگیشان را وقف عشق کرده اند .

در این جلد کوچک تلاش کرده ایم که ایده های اساسی از کبالیون را از قبیل کارکرد اصول ارائه بدهیم و به شما اجازه بدهیم که آن اصول را برای خودتان اعمال و حلاجی کنید بجای آن که بر روی جزئیات آموزه ها کار کنیم . اگر شما دانشجوی واقعی باشید قادر خواهید بود بر روی این اصول کارکرده و اعمالشان کنید ، اگر نه ، پس شما باید روی گسترش خودتان کار کنید . به عبارت دیگر آموزه های هرمتیک (هرمسی) فقط مشتی « حرف ؛ حرف و حرف » برای شما خواهد بود.

THE THREE INITIATES.

فلسفه هرمیتیک

“ لب های حکمت بسته است ، مگر برای گوش هایی که می شنوند ” - کبالیون

اساس علوم غریبه و آموزه های روحانی از مصر قدیم (قبل از باستان) آمده است که به شدت به تمام فلسفه های هر نژادی و ملت ها تاثیر گذاشته است، برای هزاران سال. مصر خانه ی هرم ها و مجسمه ابولهلول ، زادگاه حکمت نهان و آموزه های سری بوده است . هند ، ایران (فارس) ، چین ، ژاپن ، آشور ، بابل ، رم و یونان و تمام شهر های باستانی دیگر سهمی از ضیافت دانش کاهن ها و استادان سرزمین ایزیز (مصر) برای آنان که آماده بودند دریافت کردند که به طریق آن ، مغز های بزرگ آن دوره باستانی دور یکدیگر گرد آمدند.

مصر باستان استادان و مردان زبر دستی ، بزرگ ساکن بودند کسانی که هیچکس از آنها پیشی نمیگرفت و به ندرت کسی هم پرواز آنها می شد تا زمان روز های هرمس بزرگ. هرمس الهرامسه پدر علوم سری، بنیانگزار ستاره شناسی و کاشف علم کیمیاگری. جزئیات زندگی ایشان در تاریخ گم شده است . اما مشخص شده است که زمان تولد ایشان در ابتدای قدیمی ترین سلسله مصر بوده است خیلی قبل تر از روزگار زندگانی موسی (نبی). بعضی از نویسنده ها او را هم عصر ابراهیم می دانند و با خواندن متون یهودی گویا ایشان حتی خیلی قبل تر از زندگانی ابراهیم می زیسته است . همانطور که سال ها یکی پس از دیگری سپری می شد ، بعد از آن که ایشان حیات جسمانی را ودا گفت (روایات حاکی از آن است که ایشان ۳۰۰ سال در جسم زندگی کرده اند) مصری ها هرمس را به پرستیدن گرفتند و او را بعنوان یکی از خدایان خود با نام «طاو»

گماردند. سال ها بعد مردم یونان باستان نیز ایشان را یکی از خدایان بسیار خود گرفتند آن را تحت عنوان «هرمس، خدای حکمت» پرستیدند. مصریان نام ایشان را برای قرن های زیادی با احترام یاد میکردند ؛ بله ده ها قرن او را «پیامرسان خدایان» صدا میزدند . و برایش قربانی و هدایا میدادند . لقب باستانی ایشان «تریسمجستوس» به معنای «سه مرتبه-بزرگ» ؛ «بزرگ-بزرگ»؛ «بزرگترین-بزرگ» می باشد . در تمام سرزمین های باستانی ، نام هرمس مورد احترام و مترادف با «چشمه حکمت» بوده است . حتی در این روز ها ما عبارت «هرمیتیک» را با عنوان «رازآلود» و «سر به مهری که از آن چیزی خارج نشود» بکار میربریم، این به دلیل آنست که پیروان هرمس همیشه اصول راز داری را در تعلیماتشان حفظ می کردند . و این خط مشی از احتیاط نسبت به پخش شدن حقایق همیشه از خصوصیات «هرمیتیک ها» بوده است حتی تا به امروز . تعلیمات هرمسی در تمام سرزمین ها و در میان تمام ادیان یافت می شود. اما هیچگاه با کشور یا دین و مذهب خاصی همراه و شناسایی نشده است ، این به آن دلیل هشدار معلمان باستانی بر ضد اجازه داده شدن به «طریقت مخفی» برای تبدیل شدن به یک (نشانه برای) ملیت یا عقیده و کیش بوده است. حکمت این احتیاط برای تمام دانش آموختگان (هرمیتیک) تاریخ آشکار بوده است. طریقت باستانی هند و ایران فاسد شد و به اندازه زیادی تحلیل رفت . به این دلیل که معلمان تبدیل به کشیشان روحانی شدند و دین را با فلسفه ترکیب کردند و در نتیجه «طریقت» در میان موهومات و خرافات و کیش ها و مکتب های مختلف فکری و فرهنگ ها و خدایان گم شد. اما همیشه تعدادی اندک از ارواح (انسان ها) بوده اند که آتش را زنده نگه داشته اند و اجازه نمی دادند که نورش خاموش شود و از آن محتاطانه محافظت میکرده اند . و ممنون

از این قلب های وفادار و بی رخنه و ذهن های نترس که بخاطر آن ها ما هنوز حقیقت را همراه خود داریم . اما این در کتاب ها به میزان (زیادی) یافت نمی شود این دانش از سینه استاد به شاگرد رسیده است . هرگاه که این دانش به نگارش درآمده با عبارت های ستاره شناسی و کیمیا گری محجوب شده است پس تنها آن هایی که کلید را در اختیار خود دارند میتوانند کتاب را درست بخوانندش . این احتیاط برای امتناع کردن از آزار و اذیت متکلمین و فقهای قرون وسطی ضروری شده بود ، کسانی که با طریقت با شمشیر و آتش می جنگیدند .

گرچه تا به امروز تعدادی اما محدود از کتاب های معتبر در زمینه فلسفه هرمتیک پیدا خواهد شد . تعداد بی شماری منابع هستند که به آموزه ها با ملبس شدن به اصطلاحات طریقتی (خودشان) اشاره می کنند و هنوز فلسفه هرمتیک تنها شاه کلیدی است که تمام در های طریقت را باز می کند !

روز های اولیه، تعلیمات ابتدایی هرمتیک که از معلمان به دانش آموزان می رسید گردآوری شد با عنوان « کیبالیون » معنی و مفهوم دقیق این عبارت طی چندین قرن گم شده است . گرچه برای کسانی که سینه به سینه تعلیمات را دریافت کرده اند شناخته شده است . دستورات آن هیچگاه نوشته و پرینت نشده بود تا الان ، همانطور آن (کیبالیون) صرفاً یک مجموعه از اصول و دستورات بود که ادبیاتش برای افراد خارجی غیرقابل فهم بود مگر برای دانش آموزان داخلی . بعد از (یاد دادن) اصول و دستورات ، آنها توضیح داده می شدند و به وسیله اثر گذاری های (جادو های) هرمتیک به دانش آموزان جدیدالورودشان مثال هایی از آن اصول زده می شد .

این تعلیمات حقیقتاً از اصول ابتدایی « هنر کیمیاگری هرمتیک » تشکیل شده است که در تضاد اعتقاد عمومی (مردم) است و نیاز به کار و تسلط بر نیروهای ذهنی و روانی دارد و بجای سر و کار داشتن با المان های مادی تغییر شکل انواع ارتعاشات ذهنی به نوع دیگر است. آن افسانه که فلز را به طلا می شد یک تمثیلی مربوط به فلسفه هرمتیک است که توسط دانش آموزان حقیقی هرمتیک قابل خواندن و فهم بود . دراین کتاب کوچک ، که « درس اول » محسوب می شود ما از دانش آموزان خودمان دعوت میکنیم که تعلیمات هرمتیک را امتحان کنند ، همانطور که در کیمالیون پیش میروند و با خودشان آزمایششان کنند. دانش آموزانی که به اسم و رسمی درمیان اثرگذاران به اسم و رسمی میرسند هنوز به پای استاد هرمس هم نمیرسند در این جا ما بسیاری از اصول موضوعه و قاعده های کلی و دستورات کیمالیون را که با مثال ها و نشان هایی به اتمام میرسند ، را شرح می دهیم . امیدوار هستیم که تعلیمات را برای دانش آموزان امروزی تا جایی امکان هست قابل فهم گردانیم به ویژه آن که متن های اصلی آن عمداً در عبارت های مبهم محجوب شده است .

اصول و قاعده های کلی و دستورات «کیالیون» در اینجا داخل کوتیشن ("") و در میان کار پرینت شده اند . ما ایمان داریم که بسیاری از دانش آموزانی که در حضور این کار کوچک هستند بیشترین بهره را همانطور که آن صفحات را می خوانند ببرند . و پا در مسیر مشابه به سمت «اسرار» همانطور که در سرتاسر قرن ها از زمان هرمس تریسمیجیستون - استاد استادان - بزرگ بزرگان ، رفته شده است ، بگذارند . به وسیله کلمات " کیالیون " :

"جایی که قدم های استاد می افتند ، گوش های آنهایی که آماده اند برای تعلیماتش کاملاً باز است " - کیالیون

" زمانی که گوش های دانش آموزان آماده شنیدن است ، لب ها میایند تا آنها را با حکمت پر کنند " - کیالیون

پس بنابر تعلیمات ، متن این کتاب برای آن هایی است که برای آموزش آماده اند و توجهشان را جذب میکند - تا تعلیمات را دریافت کنند . به طور مشابه زمانی که شاگرد آماده دریافت حقیقت است سپس این کتاب کوچک برای او خواهد آمد .

این یک قانون است ، اصل علت و اثر هرمتیک در جنبه قانون جذبش ، لب ها را به گوش ها می‌رسانند - شاگرد و کتاب یک انجمن و گروه می شوند .

فصل ۲

هفت اصل اساسی هرمتیک

“ اصل های حقیقت هفت (تا) هستند ؛ کسی که اینها را بداند ، کلید ورود به غیب را پیش از کسی که تمام در های معبد پرواز را لمس و باز کند ، خواهد داشت ”
- کیالیون

هفت اصل اساسی هرمتیک، که تمام فلسفه هرمتیک بر روی آن بنا شده اند به صورت زیر هستند :

- I . اصل ذهن (و روان) (Mentalism)
- II . اصل تناظر (Correspondence)
- III . اصل ارتعاش (Vibration)
- IV . اصل قطبیت (Polarity)
- V . اصل ریتم (Rhythm)
- VII . اصل علت و اثر (Cause and Effect)

VIII . اصل جنسیت (Gender)

همانطور که این دروس را پیش می‌بریم این هفت اصل مورد بحث و توضیح قرار خواهیم داد ، هرچند توضیح کوتاهی از هر کدام را اکنون می‌دهیم .

۱. اصل ذهن و روان

“ همه چیز ذهن است ؛ کل هستی و کیهان ذهن و روان است . ” - کیالیون

این اصل حقیقتی را دربر می‌گیرد که « همه چیز ذهن و روان است » . (این اصل) توضیح می‌دهد که « همه چیز » (آنچه حقیقت زیر بنای اساسی تمام تظاهرات و تغییرات خارجی است ، که ما آنان را با عبارتهای : جهان مادی ؛ پدیده های زندگی ؛ ماده ؛ انرژی و به طور خلاصه تمام چیز هایی که ما با حواس پنج گانه می شناسیم است) ، « روح » است که خودش غیر قابل شناسایی و غیر قابل تعریف است اما میتوان آن را بعنوان « کیهان » ؛ « بینهایت » یا « ذهن زنده » در نظر گرفت . همچنین توضیح می دهد که تمام پدیده های جهان یا کیهان تنها یک خلق ذهنی از « همه چیز » است . « در چنین ذهنی ما زندگی میکنیم و حرکت میکنیم و مسائل خودمان را داریم » . این اصل ، از طریق راه اندازی مفهوم « ذهن و روان طبیعت » ، به راحتی تمام پدیده های گوناگون ذهنی و روانی را توضیح میدهد و توجه اکثر عموم را به خود جلب میکند و آنچه‌ی است که بدون توضیح آنچنانی که غیر قابل فهم باشد شیوه علمی امروزی را به چالش کشیده و به مبارزه می طلبد . یک فهم از این اصل بزرگ « ذهن و روان » ، افراد را قادر می‌سازد که به قانون های ذهن جهانی چنگ بزنند و آن را در راه بهبود و پیشرفت خود بکار ببندد . دانش آموز هرمیتیک قادر می شود هوشمندانه تمام قانون های بزرگ ذهنی را اعمال کند بدون آنکه آنان را به روش تصادفی به کار بگیرد . و با داشتن این شاه کلید در در تصرف

خود، دانش آموز قادر است بسیاری از در های روانی و ذهنی را از معبد دانش باز کند و آگاهانه و هوشمندانه و آزادانه در آن وارد شود. این اصل طبیعت حقیقی « انرژی » و « نیرو » و « ماده » است و چرایی و چگونگی اینکه تمام این ها تابع و فرمان بردار تسلط ذهنی است ، می باشد . یکی از استادان قدیمی هرمتیک خیلی وقت پیش نوشته بود: « کسی که به حقیقت طبیعت ذهن کیهان چنگ بزند در راه استادی (وتسلط) و تاثیر گذاری خوب پیشرفته است » . و این کلمات تا به امروز راست و حقیقت هستند همانطور که اولین بار نوشته شدند . بدون شاه کلید، استادی و تسلط (بر علوم غریبه) غیر ممکن است و دانش آموز بیهوده در های بسیاری از معبد را خواهد کوبید .

۲. اصل تناظر

“ آنچه در بالا می گذرد ، پس در پایین هست ، آنچه در پایین میگذرد پس در بالا هست ” - کیالیون

این اصل حقیقتی را در بر میگیرد که در آن ، همیشه یک تناظر بین قوانین و پدیده ها از سطوح متخلف از هستی و زندگی وجود دارد . (این) اصل کهن هرمتیک روی این کلمات جریان دارد : “ آنچه در بالا می گذرد ، پس در پایین هست ، آنچه در پایین میگذرد پس در بالا هست ” . و چنگ زدن به این اصل یک وسیله برای حل کردن بسیاری از پارادوکس های تاریک و مخفی طبیعت می دهد . این سطوح فرا تر از فهم ما هستند ، اما زمانی که ما اصل تناظر را بر روی آنها پیاده سازی کنیم ، قادر خواهیم بود بیشتر از آنچه برای ما ناشناخته است بدانیم . این اصل از ابزار و کاربردهای کیهانی ، روی سطوح مختلف از دنیای مادی و روانی و دنیای روحانی است - این یک قانون جهانی است .

هرمتیک باستان ، این اصل را بعنوان یکی از مهمترین اسباب ذهنی در نظر می گرفتند که به وسیله آن انسان قادر بود از موانعی که در منظره ای از ناشناخته ها مخفی شده بودند بگذرد ،

همانطور که تنها دانستن اصولی از هندسه انسان را قادر می سازد ، فاصله ستارگان را اندازه گیری کند ، در حالی که در درون رصد خانه اش نشسته است ، بنابراین یک فهم از اصل تناظر ، انسان را قادر می سازد تا هوشمندانه از میان شناخته ها ، ناشناخته ها را پی ببرد . با یادگیری جوهره ، می توان فرشتگان مقرب را فهمید .

۳. اصل ارتعاش

“ هیچ چیز در سکون نیست ، همه چیز حرکت میکند ؛ هر چیزی ارتعاش دارد ”
- کیبالیون

این اصل حقیقتی را در بر می گیرد که در آن “ همه چیز در حرکت است ” هیچ چیز در سکون و استراحت قرار ندارد ؛ حقیقت هایی که دانش مدرن آن را تصدیق می کند و چیزیست که کشفیات جدید علمی در حال شناسایی آن هستند ، در حالی که این اصل هزاران سال پیش توسط استاد استادان مصر صریحاً ابلاغ شده است . این اصل مظاهر ماده و انرژی و ذهن و حتی روح را توضیح میدهد که نتایج عظیمی از درجه های مختلفی از ارتعاش هستند . از « همه چیز » که روح خالص است تا به سمت سطوح زمخت تر که به ماده میرسد ، همه در ارتعاش هستند - آن که ارتعاش بالاتری دارد در مقیاس ، در موقعیت بالاتری قرار دارد . ارتعاش روح در چنین درجه ای از شدت و سرعت بی نهایت دارد که عملاً در سکون است - همانند چرخ ماشینی که به دلیل سرعت زیادش بدون حرکت به نظر میرسد . و در سر دیگر از مقیاس ، صورت های زمختی از ماده وجود که ارتعاششان بسیار کند است به طوری که به نظر میرسد در سکون قرار دارند .

درمیان این دو قطب ، میلیون ها بر روی میلیون ها درجه از ارتعاشات گوناگون قرار دارند. از الکترون و اتم و ملکول تا جهان ها و کیهان ها همه چیز در حرکت و ارتعاش است . این

قضیه حتی برای سطوح انرژی و نیرو و نیز بر روی سطوح روانی که حالاتش بر روی درجات مختلفی از ارتعاش است صادق است با فهمیدن این اصل با فورمول بندی مناسب ، دانش آموزان هرمتیک قادر میشوند که ارتعاشات ذهن خودشان را کنترل کنند.

استادان نیز این از این اصل برای تسخیر کردن پدیده های طبیعی در راه های گوناگونی استفاده میکنند .

یکی از نویسندگان قدیمی می گوید که :
“ هر که اصل ارتعاش را بفهمد به عصای قدرت و نیرو چنگ زده است ”

۴. اصل قطبیت

“ هر چیزی دوگانه است ؛ هر چیزی قطب هایی دارد ؛ هر چیزی جفت های مخالفی برای خودش دارد ؛ تضاد ها در طبیعتشان یکسان ، اما در درجه متفاوت هستند ؛ شاید همدیگر را ملاقات میکنند ؛ همگی حقیقت هستند اما نیمی از حقیقت ؛ تمام پارادوکس ها قادر اند تطبیق داده شوند . ” - کیبالیون

این اصل حقیقتی را در برمیگیرد که « همه چیز دوگانه است » ؛ « همه چیز دو قطب دارد » ؛ « همه چیز جفت مخالف خود را دارد » ، تمام آنچه اصول موضوعه کهن هرمتیک بوده است ، این پارادوکس های کهن را توضیح میدهد که بسیاری را سردرگم

کرده است. و این گونه بیان میشود: «هر چیزی و ضدش در طبیعتشان یکی هستند اما تفاوت آن ها در درجه آن هاست»؛ «شداید همدیگر را ملاقات میکنند»؛ «جفت های متضاد ممکن است با یک دیگر آشتی کنند»؛ «هر چیزی در یک لحظه هست و نیست»؛ «همه حقیقت هستند اما نیمی از حقیقت»؛ «هر حقیقتی، نصف - دروغ است»؛ «در هر چیزی دو وجهه وجود دارد» و این اصل توضیح میدهد که در هر چیزی دو قطب یا دو جنبه مخالف هم وجود دارد، که آن مخالف ها، حقیقاً شداید یک چیز هستند، به همراه بسیاری از درجاتی که بین آنهاست. برای واضح شدن مطلب: گرما و سرما، گرچه مخالف هم اند اما حقیقاً یک چیز هستند، تفاوت آن ها در درجه آن چیز است، به دماسنج خودتان نگاهی بیاندازید در میابید که “زمانی که گرما تمام میشود سرما شروع میشود” - دو عبارت گرم و سرد تنها درجات مختلف از یک چیز را نشان گراند و آن «یک چیز» که بعنوان «سرد» یا «گرم» اشکار میشود صرفاً یک فرم، یک متغیر و یک درجه از ارتعاش است پس «گرما» و «سرما» به سادگی دو قطب آن چیزی هستند که آنرا «گرمی» می نامیم - و پدیده ها مظاهری از اصل قطبیت هستند. و چنین اصلی، مورد «روشنایی و تاریکی» را آشکار میکند که چیز یکسانی هستند، تفاوت آن ها در دگرگونی درجه بین دو قطب آن پدیده مورد نظر است. در کجا است که «تاریکی» می رود و «روشنایی» آغاز می شود؟ تفاوت میان «بزرگ» و «کوچک» در چیست؟ بین «لطیف و زمخت»؟ بین «سفید و سیاه»؟ بین «تیز و کند»؟ بین «همهمه و سکوت»؟ بین «مثبت و منفی»؟ بین «بالا و پایین»؟ اصل قطبیت این پارادوکس ها را توضیح میدهد و هیچ مفهوم دیگری نمیتواند جانشین این اصل شود. چنین اصلی بر روی سطوح روان عمل می کند. اجازه بدهید یک مثال

شدید و افراطی را بزینم که آن « عشق و نفرت » است، که به ظاهر دو وضعیت روانی کاملاً متفاوت اند . و درحالی که درجاتی از تنفر و درجاتی از عشق و جود دارند نقاط میان آن را با ما اصطلاحات « دوست داشتن » و « دوست نداشتن » صدا میزنیم که گاهی به تدریج به یک دیگر شبیه می شوند که گاهی اوقات اصلاً نمیتوانیم تشخیص بدهیم تا بدانیم که آیا ما « دوست داریم » یا « دوست نداریم » یا « هیچ کدام » . این امکان پذیر است که در ذهن خود و دیگران، ارتعاش تنفر را به ارتعاش عشق تبدیل کرد. بسیاری از شماها که این متن را میخوانید، تبدیل سریع و بی اختیار از عشق به نفرت را تجربه کرده اید و همچنین بر عکس آن . و بنابراین شما در خواهید یافت احتمال این پیشآمد با استفاده از « میل و خواستن » از طریق فورمول های هرمتیک به وقوع می پیوندد . « خیر و شر » و جود دارند اما قطب های یک چیز هستند . و

هرمیتیک ها هنر تبدیل کردن شر به نیکی را به وسیله کاربرد اصل قطبیت می دانند. به صورت خلاصه « هنر قطبیت سازی » بعنوان فازی از « کیمیا گری روانی » است که به وسیله استادان هرمتیک قدیم و مدرن شناخته شده و تمرین شده است . فهمی از این اصل فرد را قادر میسازد قطبیت خودش و دیگران را تغییر دهد ؛ اگر بر روی آن وقت بگذارد و درس های لازم را برای استاد شدن در این هنر را بخواند .

۵ . اصل ریتم

“ همه چیز در جریان است ، می رود و میاید ، هرچیزی جزر و مد خودش را دارد ؛ همه چیز صعود و فرود دارد ؛ پاندول حرکت اونگ در همه چیز آشکار است ؛

اندازه شنآوری به سمت راست همان اندازه است به سمت چپ ؛ ریتم تاوان می دهد
و جبران میکند ” = کیالیون

این اصل حقیقتی را دربر میگیرد که در همه چیز یک میزان از حرکت و جنبش برقرار است ، می رود و میاید ؛ به سمت داخل و بیرون جریان دارد. مانند پاندول حرکت میکند جذر و مد دارد ؛ در بین دو قطب که در اصل پیشین به آن اشاره شد ، یک پیشرفت و یک پسرفت و عقب نشینی ، بعد از آن ؛ همیشه یک عمل و عکس العمل وجود دارد یک طلوع و بهمهراش غروب . این قانون در خلق و فنای جهان ها آشکار میشود . در طلوع و افول ملت ها ؛ در زندگی تمام چیز ها و در نهایت در حالات ذهنی یک انسان هرمتیک ها به این اصل چنگ زده و کاربرد جهانیش را پیدا کرده اند، همچنین از وسایل مشخصی برای برآمدن از پس تاثیرات آن بر روی خود ، که حاصل از فورمول ها و روش هایی هستند ، را کشف کرده اند .

آن ها نمی توانند جلوی عملکرد اصل را بگیرند اما یاد گرفته اند که چگونه از تاثیرات آن بر روی خودشان بسته به میزان تسلط که در این اصل دارند، تا درجاتی عبور کنند . آن ها یاد گرفته اند که چگونه از آن استفاده بکنند بجای آنکه تحت تاثیر آن قرار بگیرند « هنر های هرمتیک » شامل همین روش ها می شود . استاد هرمتیک ها خودش را در نقطه ای از قطبیتی قرار میدهد که می خواهد در آن بماند ، و ریتم پاندول شنآوری که تمایل دارد او را به سمت قطب دیگر ببرد را خنثی میکند. افرادی هستند که به درجه ای از «تسلط-بر خود» تا یک درجه مشخصی ناخودآگاه زیاد یا کم رسیده اند ، اما استاد این را آگاهانه انجام می دهد و به وسیله استفاده از «میل و خواست» خود و با ثبات روانی «مستحکم» که به باور بخشی از توده مردم تقریباً غیر ممکن است ، بر آن تسلط

پیدا کرده اند، منظور از آن توده همان مردمی است که مانند پاندول ساعت به این طرف و آن طرف میروند . این اصل و آن که در مورد قطبیت است به شدت و دقت توسط هرمتیک ها ، مورد درس آموزی و یادگیری قرار گرفته است . و روش های مقابله و خنثی سازی و استفاده آن ها ، بخش مهمی از کیمیاگری روانی هرمتیک را تشکیل می دهد.

6. اصل علت و معلول (یا علت و تاثیر)

“ هر علتی معلول خودش را دارد؛ هر معلولی علت خودش را دارد؛ همه چیز برحسب قانون اتفاق می افتد؛ شانس تنها اسمی برای قانونی است که تشخیص داده نشده؛ صفحات زیادی از علت ها وجود دارد، اما هیچ یک از زیر قانون فرار نمی کند. ” - کیبالیون.

این اصل حقیقتی را در برمیگرد که در آن برای هر معلول و اثر یک علتی است؛ و برای هر علت یک معلولی است. این توضیح میدهد که : « هر چیزی طبق قانون رخ میدهد؛ که هیچ چیز، هیچگاه خود به خود رخ نمی دهد؛ چیزی به نام شانس وجود ندارد؛ که دز حالی که صفحات گوناگونی از علت و اثر داریم، صفحات بالاتر بر صفحات پایینتر حکم فرمایی میکنند، هنوز هیچ چیز هیچگاه از قانون نمی گریزد.